

توسلی غرجستانی

مزاری و مسئولیت ما

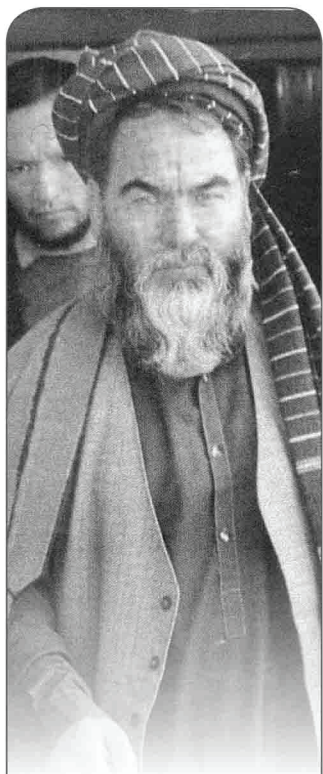
درآمد

سیر تحولات، نگاهی به پیشینه تاریخی کشوری به نام افغانستان و رصد وضعیت آینده نشان می‌دهد که باید در شرایط متفاوت به مقتضای آن تصمیم گرفت، حرکت کرد و نتیجه را نهادینه ساخت. شهید وحدت ملی در آن مقطع تاریخی؛ پیش از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان تا تشکیل این جریان مقتدر در مناطق مرکزی و پس از آن تا مقاومت عدالت خواهانه سه ساله در غرب کابل هماهنگ با باران همراه، وظیفه خود را در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص طرح مشارکت عادلانه در مراکز تصمیم‌گیری، تعدیل واحدهای اداری و تحقق وحدت ملی از طریق محقق شدن عدالت اجتماعی و طرح خواسته‌های مردم در سطح ملی و بین‌المللی، به درستی به وظیفه خود عمل کرد و به تعبیر داکتر محمد اشرف غنی، وی با درک شرایط و اقتضات زمان خود «مسیر تاریخ را تغییر داد». اینک که در آستانه بیست و سومین سالگرد رهبر شهید قرار داریم، پرسشی که مطرح است این است که ما نسل اول و دوم چه رسالت و مسئولیت تاریخی در راستای اهداف شهید وحدت ملی داریم و چگونه می‌توانیم این مسئولیت و رسالت را به نیکی به فرجام برسانیم؟ پیش از آن که به این موضوع بپردازیم، نخست باید با گذشته نه چندان دور خود تعیین نسبت نماییم و معطوف به آن مسئولیت و رسالت نسل واقع‌گرای خود را مشخص سازیم.

تأثیر مقاومت سه ساله غرب کابل بر سرنوشت امروزی ما

تاریخی کشور به تماشا نشست. اگر در فردای سقوط رژیم طالبان، هزاره‌ها در قالب هویت نژادی و مذهبی در قرارداد بن، در قانون اساسی، در دولت موقت، در کابینه اول و دوم حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین و در کابینه حکومت وحدت ملی به عنوان بخشی از هویت تاریخی و واقعیت اجتماعی و راه حل چالش افغانستان پذیرفته و در نظر گرفته می‌شود، نتیجه و ثمره سه سال مقاومت استاد مزاری،

هر چند مقاومت سه ساله غرب کابل نیز هم‌چون قیام تاریخی «ارزگان» با ترفند مثلث «زر، زور و تزویر» در محاق قرار گرفت و رهبر مقاومت، عدالت خواهانه جان خود را بر سر پیمان با مردم خویش که همانا تحقق عدالت اجتماعی، وحدت ملی و احیای هویت تاریخی مردم بود تقدیم کرد؛ اما برآیند مثبت و تاریخی آن را می‌توان در فردای سقوط رژیم منحط طالبان و آغاز دوره جدید از عمر سیاسی-



۱. زمانی وکیلان انگشت شمار دوره دوازدهم شورای ملی مردم هزاره، از وزیر معارف وقت - پادشاهی ظاهرشاه - در سال ۱۳۴۴ خورشیدی تقاضای یک باب لیسه برای کل هزاره جات در ولسوالی پنجاب بامیان می‌کنند، وزیر موصوف بعد از مدت‌ها پاسخی که به آنان می‌دهد این است که اگر من برای مردم هزاره یک باب لیسه در نظر بگیرم، خانواده شاهی و دربار به من می‌خندند!

۲. زمانی که علامه فیض محمد کاتب هزاره مورخ وقت در جلسه قانون اساسی پغمان، پیشنهاد می‌کند که در قانون، مذهب شیعه همانند ادیان عیسوی و هندوئیسم به عنوان یک مذهب برای پیروان آن آزاد باشد، (نه به حیث یک مذهب رسمی) رجاله‌های دربار به جرم جاری شدن این کلمه بر زبان کاتب، وی را تا سرحد مرگ مورد لت و کوب قرار می‌دهد، تا به گمان آنان عبرتی باشد برای دیگران و دیگر خواسته‌ها!

۳. در زمان تشکیل حکومت مجاهدین توسط شورای ائتلاف هفت‌گانه در پاکستان، هزاره‌ها کاملاً نادیده گرفته می‌شود و استدلال می‌گردد که بعد از به قدرت رسیدن در کابل در مورد حقوق دو **بزرگروه یعنی هزاره‌ها و زنان فکر خواهیم کرد!**

۴. در زمان تدوین قانون اساسی دوره مجاهدین در حکومت آقای ربانی، موسوم به قانون اساسی ربانی، عده‌ای از درباریان و مقربان شیعه‌مذهب غیر هزاره و برخی از هزاره‌های همسو و موجود در دستگاه اقتدار آقای ربانی، پیشنهاد به رسمیت شناختن مذهب تشیع را در قانون اساسی جدید به وی ارائه می‌کنند، با این پاسخ آقای ربانی که "من این بدعت را نمی‌توانم در تاریخ افغانستان ثبت نمایم"، مواجه می‌شوند!

هم‌سنگران و هم‌زمان وی با پشتوانه بی‌دریغ و بی‌شائبه مردم شریف و مظلوم غرب کابل می‌باشد.

اگر بگوییم سه سال مقاومت در غرب پایتخت و ثقل سیاسی کشور، مردم ما را از لحاظ درک و افزایش شعور سیاسی، فرهنگی و تعامل زنده با دنیا به اندازه یک قرن به پیش راند، حرفی گزاف نگفته‌ایم. اگر امروز مردم ما به عنوان شهروندان آگاه، مدنی، دانش‌دوست، نهادینه‌کننده فرهنگ هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و نماد عدالت خواهی شناخته می‌شود و هویت تاریخی - نژادی و مذهبی‌شان در کنار سایر اقوام و ملیت‌های ساکن در کشور در قانون اساسی افغانستان به رسمیت شناخته شده و حضور با نشاط آنان در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هنری، ورزشی، تشبثات اقتصادی، مدنیت مدرن و حق تعیین سرنوشت تبارز می‌کند، به یقین مرهون مقاومت سه ساله غرب کابل که نماد مقاومت سه سده تاریخی مردم ماست، می‌باشد. اندک نگاه و سیری در گذشته این مردم و کنکاشی به گذشته هویت تاریخی و تعمق در رویدادهای تلخ آن، ما را به باور و اعتقاد مندی گفته فوق، کمک می‌نماید که چطور پس از یک سده، این مردم قامت راست نموده و در کنار سایر شهروندان این کشور گام‌هایی به سمت بهبود وضعیت و شکستن زنجیر توهین و تحقیر برداشته‌اند. از باب نمونه در این جا تنها به چند مورد از چالش‌های گذشته - باتوجه به وضعیت موجود - اشاره می‌گردد وگرنه این مثنوی هفتاد من کاغذ می‌طلبد.

در تاریخ پر فراز و نشیب و آمیخته با تبعیض و ستم سده اخیر این مردم می‌خوانیم:

“

اگر بگوییم سه سال
مقاومت در غرب پایتخت
و ثقل سیاسی کشور،
مردم ما را از لحاظ درک و
افزایش شعور سیاسی،
فرهنگی و تعامل زنده با
دنیا به اندازه یک قرن به
پیش راند، حرفی گزاف
نگفته‌ایم.

”

مجاهدین و چالش‌های آن زمان بودند، بلکه از برکات دور اندیشی و مآل‌نگری رهبر شهید و مقاومت افتخارآمیز سه ساله غرب کابل در آن مقطع تاریخی بود.

بنابراین فضایی که در دوره پساتالبان برای همه از جمله هزاره‌ها فراهم گردیده است، نه از سر اتفاق و صدفه بوده است و نه از سر لطف و حق دادن؛ زیرا افراد حاضر در دوره جدید همان افراد موجود و دخیل در جنگ دوره

شهید وحدت ملی و طرح عدالت اجتماعی

- ۱۳۷۲/۶/۱۳
۱۲. دیدار مشاور سرمنشی سازمان ملل متحد با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۲/۶/۱۳
۱۳. ملاقات سرکنسول روسیه در افغانستان با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۶/۱۴
۱۴. دیدار نائب سفیر عربستان در افغانستان با استاد عبدالعلی مزاری، مورخ ۱۳۷۲/۶/۲۸
۱۵. دیدار سفیر عربستان در کابل با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۷/۷
۱۶. ملاقات سفیر سودان در کابل با شهید وحدت ملی، مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۶
۱۷. ملاقات نماینده یونیسیف سازمان ملل با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۸/۲۱
۱۸. دیدار نائب سفیر فرانسه با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۲/۹/۱۶
۱۹. ملاقات نائب سفیر هند با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۹/۲۰
۲۰. دیدار حدادی سفیر ایران در کابل با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۱۶
۲۱. دیدار رئیس صلیب سرخ با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۱
۲۲. دیدار فرستاده ویژه رئیس جمهور و صدر اعظم پاکستان با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۲
۲۳. ملاقات رئیس مرکز صلیب سرخ با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۳
۲۴. دیدار آقای حدادی سفیر ایران در کابل با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۳۰
۲۵. ملاقات وزیر خارجه پاکستان با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۴
۲۶. ملاقات محمود مستری نماینده سرمنشی سازمان ملل با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۵
۲۷. دیدار نائب سفیر جاپان در پاکستان با استاد مزاری شهید، مورخ ۱۳۷۲/۱/۲۱
۲۸. دیدار هیئت ایرانی با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۳
۲۹. ملاقات چنگیز پهلوان با رهبر شهید، مورخ

مقاومت سه ساله غرب کابل معادلات تمامیت‌خواهانه را به هم زد و غرب کابل را به حیث یک وزنه سیاسی-نظامی با طرح شعار عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت، به اندازه شعاع وجودی اقوام در حاکمیت و اصلاح نظام اداری ظالمانه‌ی گذشته، تحقق وحدت ملی از طریق هم‌پذیری و احترام متقابل، کانون رفت و آمد هیأت‌های خارجی و داخلی قرار داد. با نگاهی گذرا به ملاقات‌ها و دیدارهای شهید وحدت ملی در طی سه سال مقاومت غرب کابل با دیپلمات‌های خارجی، بعضی قوماندانان مشهور، نمایندگان سیاسی و نظامی احزاب و جریان‌ها، نقش برجسته بینش سیاسی و تفکر عدالت‌خواهی شهید مزاری، در روند کنونی بیش از گذشته هویدا و مبرهن می‌گردد. اینک به فراخور این نوشتار به برخی از مهم‌ترین این ملاقات‌ها که با هیئت‌ها و نمایندگی کشورهای خارجی در طی ۲۴ ماه از میزان ۱۳۷۱ تا سنبله ۱۳۷۳ با هدف تبیین و پیام‌رسانی مقاومت غرب کابل در راستای تحقق عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و ستم تاریخی صورت گرفته است، اشاره می‌گردد.

۱. ملاقات سفیر چین با استاد مزاری، مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۷
۲. ملاقات سفیر هند با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۴
۳. ملاقات علاءالدین بروجردی معاون وزارت خارجه ایران با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۵
۴. پیام استاد مزاری به وزیر خارجه ایران ۱۳۷۱/۱۱/۱۴
۵. ملاقات سفیر جمهوری اسلامی ایران با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۲
۶. ملاقات جنرال حمید گل با شهید وحدت ملی، مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۹
۷. ملاقات سفیر پاکستان با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۹
۸. دیدار نماینده سازمان ملل متحد با رهبر شهید، مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۰
۹. ملاقات نماینده سازمان ملل متحد با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۲/۴/۸
۱۰. دیدار علامه عابد حسین با استاد مزاری، مورخ ۱۳۷۲/۵/۱۳
۱۱. ملاقات دگروال لولاند مشاور نظامی سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان و پاکستان با استاد شهید، مورخ

۱۳۷۳/۴/۲۱

۳۰. ملاقات مسئولین تعاون اسلامی با استاد شهید، مورخ ۱۳۷۳/۶/۱۴ (منبع: هفته نامه وحدت، شماره

۳۳۷، روز شمار زندگی رهبر شهید از ولادت تا شهادت، بصیر احمد دولت آبادی، ۱۹ حوت ۱۳۷۸ ش)

خط عدالت خواهی و مسئولیت ما

اینک بیست و سه سال از شهادت شهید وحدت ملی استاد مزاری می‌گذرد، اما تاکنون اهداف و آرمان‌هایی را که آن شهید سعید در سطح ملی و درونی مطرح کرد به طور کافی محقق نشده است. هرچند پیروان و یاران رهبر شهید تلاش کردند که در خط ایشان حرکت کنند، اما در برخی موارد کژی‌های آشکار به وجود آمد که اهداف، آرمان و نیت ایشان را تا حدودی کم‌رنگ ساخت. علاقمند به ارزش‌ها و آرمان‌های مورد نظر شهید وحدت ملی، به‌خصوص در بین نسل جوان، روز به روز در داخل و خارج از افغانستان افزایش می‌یابد. هرچه سطح درک و دانش تحلیلی آن‌ها افزایش یابد به همان پیمانہ دلبستگی و علاقمندی آن‌ها به شهید وحدت ملی افزایش می‌یابد.

به سخن دیگر، تجلیل از رهبر شهید در سال‌های شهادت وی در گوشه و کنار جهان و حضور پرشور و حماسی مردم از جمله مخالفان دیروز وی پس از دو دهه و اندی از پرواز ملکوتی رهبر شهید، بیان‌گر آرمان و اهداف والای ایشان و نقش برجسته‌اش در تغییر مسیر تاریخ، می‌باشد.

حال این مسئولیت ما است که در قبال خط مقاومت و عزتی که شهید مزاری معمار آن بود، بی تفاوت نبوده، در این برهه تاریخی از عزت، هویت تاریخی، حق تعیین سرنوشت و عدالت اجتماعی در سایه برادری، برابری و وحدت ملی، که همانا آرمان و اهداف مزاری بزرگ بود، دفاع نماییم.

رهبران، چهره‌های شاخص جامعه و همگان وظیفه داریم که در برابر دسیسه‌سازی برای گسست خط مقاومت و فرسایش آن، ایستادگی کرده نگذاریم

خط مقاومت که یادگار جاودانه رهبر جاوید ماست دچار واگرایی گردد. باید همه با هم با هر سلیقه و تمایلات در برابر هجوم مودیانه به خط مقاومت عدالت‌خواهی، واکنش نشان داده و بایستی بیش از گذشته نسل‌های دوم و سوم مقاومت را با آرمان‌ها و اهداف راهبردی شهید مزاری در زمینه‌های حق تعیین سرنوشت، مشارکت عادلانه در قدرت، شایسته‌سالاری در ادارات، اصلاح و تعدیل ساختار اداری کشور، انکشاف متوازن، تحقق عدالت اجتماعی، راه‌های رسیدن به وحدت ملی، تشویق مردم به علم‌آموزی و فراهم‌سازی تحصیلات اکادمیک و کاربردی آشنا سازیم. کوتاهی، سطحی‌نگری و برخورد احساساتی با موضوعات ملی و درونی و تخریب بی‌رحمانه یاران و پیروان شهید وحدت ملی «مزاری بزرگ» می‌تواند وضعیت مردم ما را در این برهه تاریخی دچار ایستایی و برگشت به گذشته سازد. باید بدانیم که نسل‌های آینده، کسانی را که خواسته یا ناخواسته در این زمینه‌ها کوتاهی (قصور یا تقصیر) کنند و به بی‌درستی به وظایف تاریخی خویش در هر جایگاه و پایگاهی که باشند از رهبران سیاسی تا افراد معمولی، از دانشجو تا استاد دانشگاه، از عضو برجسته حکومت و شورای ملی تا یک کارگر ساده و معمولی عمل نمایند، هرگز نخواهند بخشید. پس بیاییم با وجود اختلاف سلیقه‌ها و منش‌ها همه دست در دست هم داده و «راه نا تمام» را که شهید وحدت ملی برای ما ترسیم نمود، به عنوان یک رسالت و مسئولیت تاریخی به فرجام برسانیم.

66

رهبران، چهره‌های شاخص جامعه و همگان وظیفه داریم که در برابر دسیسه‌سازی برای گسست خط مقاومت و فرسایش آن، ایستادگی کرده نگذاریم خط مقاومت که یادگار جاودانه رهبر جاوید ماست دچار واگرایی گردد.

99